

آب و تاب

شماره
۵۴

چو شهاب روشنائی،
سرکتر سرخ رهائز
باتو پوینده و پویا،
رزم خونین فدائز

در این شماره ...

سلفی کیست و سلفی
گری چیست؟

۲ ص

جنبش توده ای و
اعتلای آن تا سرنگونی حاکمیت!

۵ ص

ضرورت سازماندهی مبارزات اعتراضی
توده ها بر علیه رژیم

۷ ص

گسترش مصرف مواد مخدر و
ادعای مبارزه با آن!

۸ ص

۱۸ تیر ۱۳۲۸ انفجار
خشم و کین

۹ ص

یاد رفیق کبیر حمید اشرف در اراده پولادین
فدایی کمونیست همیشه زنده است!

۱۲ ص

جنبش ارتجاعی سبز و
مسئله زنان!

۱۴ ص



گرامی بادیادت
پر راهرو بادراحت
ای رفیق جاودانه...



سلفی کیست

و سلفی گری

چیست ؟

سلفی کیست و سلفی گری چیست ؟
برای درک بیشتر موضوع و بدرستی از جریان سلفی گری بعنوان شاخه ای از مذهب اسلام اطلاع حاصل نمائیم که این شاخه از مذهب اسلام از چه تفکراتی پیروی میکند لازم است ابتدا و بطور مختصر نگاهی به اسلام بیندازیم و تاریخ مختصر آنرا مرور کنیم . بخاطر اینکه سلفی گری چیزی نیست جز شیوه یی از شیوه های تفکر اسلام و در خدمت آن قرار دارد و در زمان و مکان مقتضی این شیوه تفکر و نگرش از مسائل اسلامی بروز میکند و جدا از مسائل مذهبی بطور عام و اسلامی بطور خاص مورد بحث قرار نخواهد گرفت . به همین منظور مختصری از بحث رفیق کبیر فدایی شهید بیژن جزنی در جزوه مارکسیسم اسلامی یا اسلام مارکسیستی در مورد مذهب اسلام را یاد آور میشویم . رفیق جزنی میگوید : اسلام چیست ؟

اسلام از ابتدای پیدایش آن : اسلام شریعتی است که محمد پسر عبدالله یکی از افراد قبیله قریش و قبایل عربی شبه جزیره عربستان در مدت زمان زیادتر از بیست سال آنرا پایه گذاری و اعلام نمود . علاوه بر محمد ، افراد دیگری که از ابتدا نزد او آمده بودند در نگارش شریعت تازه مشارکت داشتند . قرآن کتاب اساسی شریعت اسلام ، بعد از مرگ محمد جمع آوری گردید و به نگارش در آمد . سوره ها و آیات این کتاب به هیچ عنوان بر مبنای پس و پیش زمانی نگاشته نشده . سوره های قرآن ، پندو مضایحی است که بنا به ضرورت و شرایط مختلف از طرف محمد نوشته شده و میتوان آنها را بنا نه ماهیت و منظوری مه شارع دین از بیان آنها داشته است بدینمائیم . بطور کلی ماهیت قرآن عبارت است از :



الف _ داستان و روایات مذهبی مذاهب پیش از محمد ، بخصوص داستانها و اسطوره هایی که اعتبار و سندی برای شریعت تازه و شارع آن محسوب می گردند . ب _ عقاید مذهبی و قومی اعراب از قرآن که موجب آشنایی آنان و تفاهم مردم با شریعت تازه و زمینیه را برای قبول مذهب جدید فراهم میساخت . ج _ دستور کار و عمل مذهبی که بطور کلی برخی تغییرات در مذاهب قبلی شمار میرفت . د _ دستورات کار و عمل اجتماعی که بخصوص در این بخش ، محمد کار تازه ای انجام داده و با در نظر گرفتن ضروریات اجتماعی زمان خویش ، دستورات مترقی را اعلام نمود و در نتیجه زمینیه های عینی و ذهنی لازم بمنظور گسترش و نفوذ شریعت خویش را فراهم نمود . قرآن تنها در نزد کسانی بسیار عجیب و شگفت آور است و در برابر ؟ آن انگشت بر دهان می مانند که هیچگونه آشنایی علمی در رابطه با مذهب و مذاهب و عقاید فلسفی انسان قبل از اسلام ندارند و پروسه و روند گسترش آنرا نشناسند . قرآن یعنی معجزه محمد آکنده از عقاید انسان ابتدایی ، نشانه های مذاهب در (آنیسم) - (توتمیسم) - (فتشیسم) ، در قرآن بخوبی قابل مشاهده است . این شیوه اسلام نه تنها دارای ماهیتی به تمامی ایده آلیستی فلسفی است بلکه باری است از اداب و رسوم غریبه با انسان معاصر خویش ، تجزیه و تحلیل مفاهیم مذهبی قرآن در این بحث کوتاه

نمیگنجد ، اما میتوان به موارد زیر اشاره کرد : پرستش حجدالاسود (حجرالاسود یا سنگ سیاه) و آب زمزم و سنگسار کردن (رجم) شیطان . مقدس شمردن بعضی از میوه ها و محصولات کشاورزی مانند (انجیر و زیتون و خرما) . مقدس شمردن کوه و شهرها و انتخاب نام (الله) که یکی از خداهای اعراب بود بعنوان تنها خدای آسمانی . همچنین به رسمیت شناختن تمامی پیغمبران و افسانه های بنی اسرائیل و عسی و مسیح . که همگی نشاندهنده التقاط شریعت اسلام است . مختصر اینکه در قرآن حتی یک مورد وجود ندارد که با مذاهب ، عقاید پیش از محمد و یا با ضروریات وقت و مکان خود او از نظر علمی و تاریخی توضیح داده نشود . به گفته دیگر هیچ چیزی در قرآن وجود ندارد که انسان این عصر از طریق تفکر و تفحص به آسمانی بودن این کتاب اعتراف کند . ریشه اصلی و اساسی ایده الیسم اسلام بر پایه خدای غیر عادی و ماندگاری روح و رستاخیز و پاداش جزای آخرت پایه گذاری شده است . نتایج دستورات صاحب مذهب از محروم کردن و هشیار کردن و تشویق ، رستاخیز و دادگاه آخرت است . به این شیوه زبان قرآن و محمد براساس برهان و منطق ، حتی تا آن اندازه که در سده ششم میلادی به کار میامد ، نیست . محمد حکم میکند که این کار را بکن و آن کار را نکن ، زیرا که خدا به این راضی و خشنود است

و بهشت و دوزخ در برابر اعمال تو منتظر توست . اما واقعیت این است نه تنها جذب پاداش آخرت بلکه نتایج عادی و این دنیایی شریعت اسلام بود که قبایل عرب را به سوی خویش جذب نمود . اسلام از ابتدای پیدایش خویش ، ایدئولوژی قبایل عرب بمنظور اتحاد و رشد اجتماعی بود و اولین امپراطوری عربی را بنیاد نهاد . قبل از اسلام ، اعراب از مناطق مختلف ، هر یک دارای حکومت خویش بودند که مهمترین آنها در کشور شام ، مناطق مناطق جنوبی مرکز دو رودخانه (بین النهرین) و یمن بودند . حکومت‌های کوچکتر نیز در مکه و مدینه بودند . تحولات اجتماعی و اقتصادی کشوری مانند شبه جزیره عربستان تا مرحله رشد کرده بود که پیدایش ایدئولوژی مانند اسلام اجتناب ناپذیر بود و در مدت زمانی کوتاه حکومتی یکپارچه از قبایل عقب مانده اعراب و مناطق پیشرفته تر را بوجود آورد و تجاوز به مناطق اطراف خویش را آغاز نمود . ضعف و نابودی اجتماعی و سیاسی رژیم‌های روم و ساسانی از طرفی و ماهیت تاحدودی مترقی اسلام از طرفی دیگر موجب شد تا حکومت اسلامی اعراب گسترش یابد . به اینصورت اسلام بعنوان یک مذهب برای قبایل عرب و سپس برای جوامع دیگر که تحت نفوذ آن بودند ، نقش مهمی ایفا نمود . این نقش به تمامی آن نقشی بود که مذهب موسی برای بنی اسرائیل و دین زرتشت برای هقوام پارسی و ایرانی و مسیحیت برای روم و سپس ملیت‌های اروپایی ایفا نمودند . اسلام در طول تاریخ جوانب مترقی اسلام ، نشاندهنده گسترش و رشد روابط و مناسبات اجتماعی و سیاسی اعراب بود . شعارهای مترقی اسلام موجب گردید تا ملیتها و اقوام غیر عرب نیز از نجات خویش از تسلط نظام ارتجاعی اجتماعی حاکم از آن استمداد بطلبند و حداقل برای گسترش و رشد آن زمینه مناسب را فراهم نمایند . اما در مدت زمانی بسیار کوتاه حاکمیت اسلامی که مضمی واقعی آن حاکمیت اعراب بر اقوام غیر عرب بود همانند همیشه به ابزار اسارت مردمان دیگر تبدیل شد و رشد و گسترش مبارزات ضد عربی را موجب گردید . کوچ عشایر عرب در طول جنگ‌های اشغالگرانه که تحت نام

جهاد انجام میگرفت موجب گردید تا مرکز دو رودخانه (بین النهرین) و شمال آفریقا بتدریج (عربی) گردد و با اقوام و خصوصیات منطقه ای اعراب کوچ کرده قاطی گردیده و یا متحد گردند و جوامع چند قومی بوجود آید و در این جوامع بتدریج زبان عربی جانشین زبان مردم آن مناطق گردد و خصوصیات قومی غیر عربی از میان برداشته شود . خلیی سریع و کمتر از یک سال حکومتی شرعی اسلام به حکومت زمینی و این دنیایی تبدیل گردید و امپراطوری اموی و عباسی چهره ای به تمامی دنیوی به خود گرفتند . از طریق دیگر عقاید و آداب و رسوم مذهبی از حالت متحد و یکدست قبلی خود بدر آمد . با عقاید مذهبی و قومی ملیتها در هم آمیخت و شاخه ها و مذاهب مختلفی را بوجود آورد . تشیع یکی از نمله های تلیفیقی ، شیعه گری است که اعتقادات اجتماعی و مذهبی را با اسلام آمیخته است . مسئله امامت و وراثت در آن و مسئله مهدی نجات دهنده همراه با یک رشته مناسک مذهبی و اعتقادات محلی مذهبی را بوجود آورد که ایدئولوژی طبقات متوسط عصر را در مبارزه با حاکمیت خلفا و تجزیه طلبی را در امپراطوری ظاهر می ساخت . شیعه گری در ایران یک بار در جنبش شعوبی رواج یافت و با تضعیف مرکز خلفات و جدایی عملی از امپراطوری اسلامی رو به خاموشی گذاشت و سپس با قدرت گرفتن امپراطوری عثمانی با دیگر رو به رشد نهاد و در آغاز جنبش صفویان ، مذهب رسمی ایران شد . شیعه دوازده امامی از اسلام فقط قران را پذیرفته و در بسیاری از اعتقادات خود با بقیه مذاهب اسلام اختلاف بنیادی دارد . روایات و حدیث های مجعول که بنا بر مقتضیات جمع آوری شده ، میانی دیگر شیعه است . اصل بنیادی اجتهاد ، امکان بی حدو حصر را برای اتخاذ شیوه های غیر اصیل قرانی یا اسلام فراهم آورده است . از نظر فلسفی شیعه گری بر اساس اصالت عقل ارسطویی قرار گرفته و علم کلام شیعه یعنی فرقه فلسفی اعتدالی در مقابل علم کلام تسنن قرار دارد . دستگاه مذهب شیعه مثل تمام دستگاه های مذهبی در قرون اخیر متحد و مکمل نظام فنودالی بوده و از اصل اجتهاد نه برای مترقی ساختن مذهب بلکه

برای هر چه بیشتر به خدمت در آردن مذهب در امرحکومت در جهت استثمار و انقیاد توده های زحمتکش استفاده کرده است . به این ترتیب اشتباه محض است اگر انسانی بخواهد اسلام تشیع را در حد قران و یا چند کتاب شسته رفته مورد بررسی قرار دهد . اسلام در هر جامعه و تشیع در جامعه ما مجموعه ای است از اعتقادات رسمی و غیر رسمی مذهبی و قرانی ، همراه مناسک و تشریفات که در طول تاریخ دگرگونی یافت و به پیش پاافتاده ترین مسائل فردی و اجتماعی گسترش یافته است . اسلام و استعمار هم‌طور که اشاره شد ، اسلام در دوره های مختلف ، ایدئولوژی اقوام و دولت هایی شده است که اقوام و خلق های دیگر را به عنوان جهاد در اره دین برتر و برحق به اسارت کشانده است . تهاجم حکومت عربی اسلام در صدر اسلام و سپس امپراطوری اموی و عباسی اولن دوره چنین تهاجمی است . لشکرکشی های محمود غزنوی به هند و سپس حکام مسلمان مغول به هند چهره دیگری از این تهاجم است . آخرین دوره تهاجم ، لشکرکشی های امپراطوری عثمانی به اروپای جنوب شرقی و بالکان است که چند قرن حاکمیت ترک ها را بر ملل مسیحی مغلوب تحمیل کرد . (اسارت ملل و اقوام غیر ترک مسلمان نیز زیر لوای خلافت اسلامی ترکان عثمانی انجام پذیرفت .) طبیعی است که در مقابل این تهاجم ها ادیان و مذاهب ملل و اقوام اسیر جنبه هایی از مقابله و مقاومت را در مقابل این تهاجم به خود گرفته است . نمونه آن جنبش خرم دینان و فرقه ها زندق و تمایلات زرتشتی ایرانیان است در جنبش شعوبی و مقاومت کلیسای مذهبی در سرزمین های تحت حاکمیت عثمانی در اروپا . (جدایی و مقابله ی فرقه ها و مذاهب مختلف مثل شیعه و وهابی و غیره نیز نوعی عکس العمل مذهبی در مقابل خلافت استعماری عثمانی است .) به این ترتیب در می یابیم که اسلام و مذاهب مختلف آن دارای ماهیت طبیعی و درونی ضد استعماری نبوده و تمایلات تجاوزکارانه در این دین مانند سایر ادیان و مذاهب وجود دارد و مع ذالک در قرون اخیر استعمار غرب و ملل و قوام مسلمان را در موقعیت تازه ای قرار داده است . با توجه با این که

کلیه سرزمین های اسلامی از شمال آفریقا گرفته تا اندونزی ، سرزمین های بوده است که مورد تجاوز استعمار مسیحی غربی قرار گرفته ، دین اسلام و دستگاه مذهبی مربوط به آن به حالت تدافعی در آمده و خصلت های ضد استعماری ملل و اقوام استعمارزده این سرزمین ها گاه و بی گاه روی جناح هایی از دستگاه روحانیت اسلامی اثر گاشته است .

بخصوص در یک قرن اخیر ، ناسیونالیسم عرب با اسلام در هم آمیخته و زبان و دین واحد ملل مختلفی را به عنوان ملت عرب زیر پرچم ناسیونالیسم ضد استعماری به یکدیگر نزدیک کرده است . در کشور ما نیز در یک صد سال اخیر این تمایلات گاه و بی گاه در دستگاه مذهبی دیده شده است . در عین حال محافل روحانی به عنوان متحد فئودالیسم که خود اغلب دست در دست استعمار داشته اند به مصالح استعماری کمک کرده اند .

با این مقدمات ، این اصل را که اسلام دارای ماهیتی کاملا متفاوت از مسیحیت یا سایر ادیان است رد می کنیم و فقط موقعیت خاص ملل استعمارزده ی مسلمان را علتی می شماریم که جناح هایی از دستگاه

روحانی را به جنبش ضد استعماری نزدیک ساخته است . این تمایلات ضد استعماری نه در شریعت محمد و نه در اعتقادات تلفیق شده با آن نهفته و فقط ناشی از استعمارزدگی ملل و اقوام مسلمان است . چنان چه در ملل استعمارزده غیر مسلمان نیز این تمایلات وجود دارد و مذاهب آنان نیز نقش دوگانه ی خود را بر له و علیه استعمار ایفا می کنند . دین و مذهب اگرچه در طول تاریخ دچار تغییرات میشوند و برخی شاخه و فرع بنا به مکان و زمان و موقعیت تاریخی و جغرافیایی به آنان افزوده می گردد اما دارای تاجر و دگماتیسم مخصوص به خویشند و اصول و شرایط اصلی همچنان در کنار عقاید دیگر حفظ می شوند . اما در مقابل این تاجر و در جا زدن ، جامعه در حال رشد و پویایی و تکامل است و ضروریات اجتماعی و اقتصادی تغییرات تازه در مذاهب را به ضرورتی حتمی مبدل میسازد . اما سلفی گری بعنوان یکی از دو شاخه اصلی مذهب تسنن ، ایمان را شامل ارتباط پیمان



عراق و خاورمیانه اثبات میگردد که آنها تنها ابزاری هستند بمنظور اجرای سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی در سراسر جهان و بخصوص در منطقه خاورمیانه مدت زمان مدیدی است که امپریالیسم بمنظور انحراف و خنثی نمودن انرژی و نیروی پتانسیل انقلابی توده های تحت ستم که خواهد توانست ستونهای تاسیس جامعه برابر و سوسیالیستی بشمار آیند ، به عقاید ارتجاعی و فسیلی اعماق تاریخ روی آورده و دشمن خود ساخته را به مردم معرفی می کنند تا اینکه دشمنی با امپریالیسم از حد و مرز ارتجاع فراتر نرود و در چهارچوب دلخواه خویش پا را فراتر نهد . بعد از کردستان عراق اکنون نوبت کردستان ایران است تا به عنوان میدان آزمایش احیا عقاید عصر حجری سلفی گری تبدیل گردد و به سایه لطف جمهوری اسلامی گروههای اسلامی و سلفی آزادانه عقاید کهن و فرسوده قرون وسطایی خویش را تبلیغ نمایند و در شهرهای سنندج و سقز و دیگر شهرهای

کردستان دام خویش را پهن نمایند و به وحشیانه ترین شیوه های ممکن مخالفین خویش را به بهانه کفر و الهاد و ایندست مزخرفات در انظار عمومی سر بریده و فلسفه اسلامی را بنا به شرایط کنونی برای توده های مردم تحلیل بیان نمایند ! فلسفه اسلامی هیچوقت با در نظر گرفتن ماهیت آن نمیتواند بر علیه نظام سلطه امپریالیستی عمل نماید و در اساس ظلم و ستم را واژگون نماید بخاطر اینکه معرف آلترناتیو انقلابی چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ سیاسی نظام حاکم نیستند . تنها هدف سقوط روبنای سیاسی حاکم و استقرار روبنای سیاسی دیگری با همان زیر بنای اقتصادی و اجتماعی همراه با حفظ روابط و مناسبات استثمارگرانه حاکم بر جامعه است . سلفی ها بطور عام همچون شیعه ها سعی دارند تا اینکه از احساسات مردم ناراضی و خسته از ستم اجعاف که با آگاهی طبقاتی و انقلابی بیگانه خواهد بود ، استفاده نمایند و از میان آنان سربازگیری نمایند و بهمین منظور از روشهایی مختلف و بیشتر از روشهای ایجاد فضای رعب و وحشت و ترور سیاه استفاده کرده ، نمونه بسیار روشن اعمال آنان در

کردستان اعمال گروه سلفی ، انصار الاسلام و در این اواخر انصار السنه می باشد . سنی و شیعه ، سلفی و حنفی و شافعی و جعفری و ... همگی بعنوان شاخه های مذهب اسلام بنا به شرایط حاکم تاریخی بوجود آمده و خطاست اگر آنها را به تنهایی و بدون ارتباط با شرایطی که در بطن آن رشد و گسترش یافته اند مورد ارزیابی قرای بدهیم و تنها در چهارچوب قران و آیات و احادیث ماهیت آنها را توضیح دهیم . متهبت مذهب و بخصوص اسلام و شاخه های این مذهب در ارتباط با روابط مناسبات حاکم بر جامعه تحلیل میگردد . بحران و نارضایتی در درون جامعه موجب میگردد تا اینکه از مذهب و اشکال موضعگیری و عمل آن و شاخه هایش برای کنترل اوضاع استفاده گردد . بهمین خاطر سلفی گری موضوعی است که ارتباط مستقیم دارد با بحران گریبانگیر جمهوری اسلامی و امکان بروز هر مسئله خطرناکی برای اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان .

جنبش توده ای و اعتلای آن تا سرنگونی حاکمیت !



در بهمن ۵۷ توده ها بر علیه دیکتاتوری پهلوی قیام نمودند تا نقطه پایانی بر حاکمیتی بگذارند که ستم و استثمار خلق زحمتکش پایه گذاری شده بود . علیرغم حضور و مشارکت میلیونها نفر از قیام کنندگان در جریان اعترافات و قیام ، اما بدلیل کمی تجربه نیروهای انقلابی و همچنین توهم توده ها در ارتباط با مذهب و همچنین سازش و خیانت پشت پرده مذهبیون تعصبی به رهبری روح الله خمینی مسیر مبارزه مردم منحرف گردید و در عوض سرنگونی نظام سیاسی و اقتصادی - اجتماعی حاکم و برافکندن ماشین سرکوب رژیم مانند ارتش و ساواک و ژاندرماری و پلیس و دستگاههای دیگر اطلاعاتی و ضد خلقی ، نظام دیکتاتوری دست نخورده باقی ماند و تنها از نظام پادشاهی به جمهوری اسلامی تغییر نام داد . رژیم که سی سال پیش به کمک امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به جای حکومت پادشاهی به قدرت رسید ، بسیار سرکوبگرتر و ارتجاعی تر از رژیم شاه با توده ها برخورد کرده است . این رژیم از همان ابتدای به قدرت رسیدنش از نظر اقتصادی - سیاسی خود را مدافع و منافع و مصالح بازاریها و شرکای بروکرات آنها نمانسته است . از نظر اجتماعی نیز همواره خالق و گسترش دهنده عقاید خرافی عهد حجری بوده است و ارتجاعی ترین و کثیف ترین قوانین مذهبی را بر علیه توده های مردم اجرا نموده است .

قیام ۵۷ از نظر تاریخی ادامه جنبش توده ای بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ بود که بدنبال آن کودتا ، توده های مردم ایران برای نیل به آزادی و دموکراسی به مبارزه خویش ادامه دادند . آنها هیچوقت تسلیم حاکمان نشده و در اراده آنها بمنظور سرنگونی نظام ظالمانه حاکم و استقرار نظامی دموکراتیک خللی وارد نیامده است . قیام ۵۷ برای استقرار حکومتی مذهبی صورت نگرفت ، در آنزمان ، نفوذ بیش از حد آمریکا در دستگاه ارتش و اطلاعات رژیم شاه موجب گردید تا زمانی که مبارزه توده ای گسترش میافت ، آنها بار دیگر در ایران کودتا نمایند .

قیام ۵۷ در نیمه راه از حرکت باز ایستاد و به دلیل توطئه آمریکا و دیگر دول امپریالیستی که منافع خویش را در خطر میدیدند ، حاکمیت از رژیم پادشاهی به رژیم جمهوری اسلامی به رهبری خمینی تعویض گردید . پیش از کنفرانس سال ۱۹۷۸ گوادلوپ ، خمینی ابراهیم یزدی را بعنوان نماینده خویش به آمریکا فرستاد تا درباره حکومتی که میخواست بعد از حکومت شاه در ایران مستقر سازد با آمریکاییها گفتگو نماید . در فرانسه نیز صداق قطب زاده همیشه حکومت فرانسه را مطمئن میساخت که خمینی محافظ و مصالح آنها خواهد بود . زمانی که خمینی با پشتیبانی همه جانبه مادی و معنوی دول امپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی خویش را در ایران حاکم نمود ، مردم

ایران تسلیم اراده آنان نشدند و همراه نیروهای انقلابی حماسه ها آفریدند و کارگران و زحمتکشان کشور بمنظور تحقق آرمانها و آرزوهایشان همواره در میدان نبرد و مبارزه عادلانه خویش بر علیه حاکمان آماده بودند . از کردستان تا بلوچستان ، از ترکمن صحرا تا آذربایجان و خوزستان بر علیه حاکمیت ستمگران پیا خاستند . حاکمان جمهوری اسلامی از بدو حکومت خویش تا اکنون هیچگاه و حتی برای یک لحظه نیز در آرامش نبوده اند و همواره در ترس و وحشت بسر برده اند . این رژیم در مدت ۳۰ سال تنها زیر چتر سرکوب و سرنیزه توانسته است به حاکمیت خویش ادامه دهد . آنها بر ای حفظ حاکمیت خویش و منافعشان و سرمایه جهانی فرزندان خویش را نیز با بیرحمی تمام به قتل میرسانند آنطور که ملا حسنی امام جمعه ارومیه پسران خویش را کشت و یا گیلانی رئیس دادگاههای انقلاب پسران خویش را اعدام نمود و یا کشتارهای دستجمعی سالهای ۶۰ و ۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی که هیچگاه از خاطر نمیروند .

با این مقدمه بهتر است بدانین که بعد از انتخابات ریاست جمهوری خردادماه چه ارزیابی غلطی در مورد جنبش توده ای در ایران انجام گرفته است و آیا جنبش توده ای در این مرحله در مسیری تعیین شده که تامین کننده منافع و مصالح جناحی مشخص است میباشد و یا اینکه مسئله به گونه ای دیگر است . در اساس

در درون جنبش انقلابی ایران مسئله ای به نام جنبش سبز یا زرد مطرح نیست . است بدائین مدت زمانی است که افراد و توده های مردم ایران به حقوق خویش آگاهند و بخوبی میدانند که در دنیای امروز حقوق آنها از جایگاه ویژه ای برخوردار است و میبایست از آن دفاع نمایند . استفاده از تضاد مابین سردمداران جناحهای تشکیل دهنده حاکمیت به معنی پشت بستن مردم به هیچکدام از جناحهای داخل حاکمیت نیست و بعد از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه و وقایع بعد از آن ، این سردمداران جناح مغلوب و اصلاح طلب و لیبرال بودند که سعی میکردند خویش را با مطالبات مردم و جنبش توده ای همگام سازند . بسیار طبیعی است که مردم از جناح مغلوب و ناراضی دورن حاکمیت استفاده نمایند تا اینکه صدای اعتراض خویش را رساتر نمایند . اگر موسوی و کروبی هر کدام به نوبه خویش از تقلب و جعل در انتخابات و یا تجاوز در داخل زندانها رژیم دهان باز میکنند و یا اینکه احمد نژاد در صحبتهایش به این نکته اشاره میکند که آغازده ها چگونه و به چه شیوه ای رشد کرده اند و ثروت وسامان مردم را تصاحب نموده اند و چگونه هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و افرادی همچون آنها خزانه دولت را به حسابهای بانکی خویش منتقل نموده اند در حالی که توده ها هر روز فقیرتر گشته اند و لقب سردار سازندگی را به خویش اده اند ، خود به خود بیان حقایقی است که عموم مردم ایران در طول ۳۰ سال گذشته بخوبی به آن واقفند ، اما بیان این حقایق از زبان سردمداران قبلی حاکمیت نقطه مثبتی برای توده ها میباشد برای رساتر کردن صدای اعتراضتشان . و بهمین دلیل بیان آن حقایق که خود توده ها در تمام طول حاکمیت جمهوری اسلامی بر آن واقف بوده اند نمیتواند به این معنی باشد که توده ها برای بیان این حقایق از زبان موسوی و کروبی و رهبران سبز به زیر چتر آنها رفته اند و رهبری آنها را به جنبش خویش پذیرفته اند . اما به معنی استفاده از ابزارهای فشار بیشتر بر حاکمیت میباشد و این نیز امری بسیار طبیعی است . به همین دلیل این افراد هر موضعی که در مقابل حاکمیت اتخاذ کنند موجب تغییر در ماهیت جنبش توده ای که در پی سرنگونی نظام حاکم و استقرار

نظامی نظامی دمکراتیک است ، بهتر است بدائین مدت زمانی است که افراد و دارو دسته های وابسته به امپریالیسم و شرکای قبلی جمهوری اسلامی سعی میکنند تا با کمک و همکاری دستگاههای سخن پراکنی جهانی وانمود کنند که جنبش توده ای مردم ایران همهن جنبش سبز است . جنبش سبز یا همان جنبش که به کمک و پول و سرمایه رفسنجانی و بازاریهایی پرت شده از داخل حاکمیت رنگ سبز را بر موسوی نخست وزیر هشت ساله خمینی پوشاندند تا اینکه با نیروی بیشتر از منافع و مصالح سرمایه داران بازار در مقابل جناح سرمایه داری بروکرات به نمایندگی احمد نژاد دفاع نمایند . رهبران جنبش که خود را به نام سبز معرفی میکنند عبارتند از محسن سازگارا ، عبدالعلی بازرگان ، عبدالکریم سروش ، محسن کدیور ، سید عطاله مهاجرانی ، محسن مخملباف ، مسعود بهنود ، علیرضا نوریزاده همراه با رهبران مزدور سازمان اکثریت و چند نفر دیگری بی نام و نشان که همگی در طول سالهای گذشته افراد سرکوبگر و اطلاعاتی و جاسوس رژیم بوده اند . جنبش آگاهانه توده های ایران به راه خویش ادامه خواهد داد و به هیچکدام از افراد قبلی و یا جریاناتی که قبلا با ریم جمهوری اسلامی همکاری نموده اند ، اطمینان نخواهند نمود . جنبش توده ای ایران به این افراد دیگر پشت نخواهد بست . بهمین خاطر روند مبارزه آینده و رو به پیش توده ها است که خاتمه حکومت اسلامی را تعیین خواهد نمود . اگر تاکنون سنگینی جنبش انقلابی توده ها بر دوش کارگران و زحمتکشان بوده است پس همین طبقه و اقشار زحمتکش و ستمکش هستند که با حضور خویش در میدان مبارزه بی امان اجازه سوء استفاده را از هر شخص و گروهی سلب خواهند نمود تا از اعتبار مبارزه آنان برایب نیل به اهداف خویش استفاده نمایند . زنان و توده ها ستمکش و دانشجویان و دانش جنبش آموزان ایران که در طول ۳۰ سال گذشته از کوچکترین حقوق دمکراتیک خویش محروم بوده اند راه اصولی و راستین به تحقق رساندن مطالبات خویش را در ادامه مبارزه رادیکال یافته اند نه در پشت بستن به افراد و جریانات پرت شده از آغوش حکومت اسلامی .

اغلب پیش می آید که فکر از واقعیت عقب می ماند؛ این ناشی از آن است که شناخت انسان در اثر شرایط مختلف اجتماعی محدود می شود. ما در صفوف انقلابی خود علیه محافظه کاران افراطی مبارزه می کنیم. زیرا فکر آنها نمی تواند همگام با وضع عینی تغییر یافته پیش رود؛ این در تاریخ به مثابه اپورتونیسم راست تظاهر کرده است. این افراد نمی بینند که مبارزه تضادها پروسه عینی را به پیش رانده است. در حالیکه شناخت آنها در همان مرحله قدیمی ثابت مانده است. این یکی از ویژگی های تفکر همه محافظه کاران افراطی است. فکر آنها از پراتیک اجتماعی جدا شده است. آنها نم توانند در پیشاپیش عرابه جامعه حرکت کنند و هدایتش نمایند. بلکه فقط بدنبال آن می دوند و از اینکه اینقدر سریع به پیش می رود، غرغر می کنند و می کوشند آنرا به عقب بکشاند و در جهت عکس منحرف سازند.

مائو

امروزه همانند سایر نقاط ایران در کردستان نیز مبارزات اعتراضی توده ها علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم روبه گسترش است. فقر و بیکاری و افزایش کارگران و زحمتکشان به جمعیت بیکار، سرکوب و میلیتاریزه کردن مناطق کردستان، ایجاد فضای رعب و وحشت، دستگیری و شکنجه و کشتار، همگی ارمان جمهوری اسلامی برای خلق ستمدیده کردستان است. اما پاسخ توده ها خلق کرد به این همه مصائب، مقاومت و مبارزه است که تاکنون موجب شکست سیاستهای رژیم در این نقطه از میهنمان شده است. واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمامی سعی و تلاش بی نتیجه و زیوانانه خویش نتوانسته است اراده و خواست انقلابی خلق کرد را درهم شکند. شهر و روستا و کوه به کوه این منطقه از میهنمان شاهد مقاومت و شهادت خلقیست که اراده خویش را بر تغییر این رژیم و سرنگونی آن نهاده است. هر چند تاریخ این مبارزه پر افتخار فراز و نشیب بسیاری را پشت سر نهاده، اما در جریان رو به گسترش خود به طور مستمر نمونه عالی ترین شکل مبارزه توده ای بوده و بعنوان سنگر سرخ آزادی و مقاومت به حیات خویش ادامه میدهد. مهمترین عامل که میتوان امروزه تلاشهای مذبوحانیه رژیم در تمامی جوانب آنرا با شکست مواجه کند، علاوه بر مبارزه مسلحانه بعنوان سنت انقلابی توده ای کردستان، اتکا هر چه بیشتر به سازماندهی جنبش توده ای در کردستان است. جنبش رو به گسترش کنونی کردستان تاکنون توانایی و ظرفیت بسیاری از نظر سازماندهی از خود به نمایش گذاشته است. اگر چه حرکات اخیر بطور عام خود بخودی و غیر متمرکزند، اما گستردهگی آنها خود نشاندهنده ریشه دار بودن این حرکات و نیرو و توان عمل عمومی جنبش توده ای در کردستان است. بایستی با در نظر گرفتن این نقطه قوت جنبش کنونی کردستان برای اعتلا و گسترش آن قدم

ضرورت سازماندهی مبارزات اعتراضی توده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی!

امروزه در کردستان انقلابی هیچگونه تشکل مستقل توده ای مشاهده نمی کنیم که در سرتاسر کردستان بطور یکپارچه و هماهنگ کار و فعالیت انجام دهد. اکثر حرکات توده ای در شهرها نیز بدون هیچگونه تشکل دمکراتیک و تنها به صورت خود بخودی انجام میپذیرد. این نه تنها نیرو و توان خلق کرد را به هرز میبرد بلکه فرصتی مناسب برای رژیم بوجود خواهد آورد تا اینکه بعد از هر ضربه ای که متحمل میشود با تجدید سازماندهی خویش و با توان بیشتری هجوم را از سر گیرد. و جنبش توده ای را سرکوب نماید. امروزه رژیم جمهوری اسلامی بمنظور اجرای سیاستهای ضد انقلابی خویش دست به هر کاری میزند، امروزه توده های خلق کرد بطور گسترده تری بر علیه رژیم هجوم میبرند و مبارزات اعتراضی خویش را گسترش میدهند. سازماندهی حرکات توده ای از هر زمان دیگری بیشتر ضرورت یافته. ایجاد تشکلهای توده ای در کردستان در شهر و روستا وظیفه فوری و کنونی نیروهای انقلابی است. سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان شهر، زنان و زحمتکشان روستاها در مقابله با مزدوران رژیم در تشکلهای مستقل خویش با در نظر گرفتن شرایط ویژه جنبش کردستان و ادغام این مبارزات با اسکال عالی تر مبارزه در کردستان تنها ضامن تبدیل این مبارزه به ابزاری است برای نیل به اهداف والای جنبش انقلابی خلق کرد.

برداریم امروزه در کردستان هر اقدام ارتجاعی مزدوران رژیم چه در داخل شهرها و چه در مناطق مرزی کردستان علیرغم ایجاد جو رعب و وحشت و سرکوب و خفقان با ضدیت توده ها مواجه شده و حتی با کشته شدن باربران زحمتکش مرزی توده ها تظاهرات اعتراضی بر علیه رژیم براه میاندازند. این حرکات اعتراضی که امروزه بصورت چشمگیری گسترش یافته و حالت تهاجمی به خود گرفته، تنها در جای میتواند خلق کرد را به هدف برساند که جهت و مسیر معین و مشخصی پیدا کند و به این منظور سازماندهی مخصوص به خود را طلب میکند. رهبری این مبارزه بایستی در عمل انجام گیرد و هر نیرو و جریانی که ادعای رهبری این جنبش را دارد، تنها از راه سازماندهی جنبش توده ای و ایجاد تشکلهای توده ای در شهر و روستاها میتواند راستی و درستی ادعایش را به اثبات رساند. تنها از طریق ایجاد ارتباط مابین مبارزات پراکنده و هدایت آنان بمنظور تحقق اهداف جنبش توده ای مبارزات اعتراضی توده ای میتواند از نیروی چشمگیری در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی برخوردار شود. ضرورت این عمل در وحله نخست درک اهمیت این سازماندهی است. زیرا که شرایط عینی برای چنین حرکاتی وجود داشته، اما تاکنون اهمیت چندانی به امر سازماندهی مشخص چنین حرکاتی داده نشده. گواه این ادعا این است که ما



گسترش مصرف مواد مخدر . سیه روزی توده ها و ادعای کذاب مبارزه با آن !

گسترش مصرف مواد مخدر و سیه روزی و ادعای کذب مبارزه با آن !
تاکنون صدها قانون ((مبارزه با مواد مخدر)) در جمهوری اسلامی به تصویب رسیده که همگی این قوانین به تصویب رسیده به اعدام مصرف کنندگان مواد مخدر مربوط می گردد. اما نه تعداد مصرف کنندگان مواد مخدر با این کشتارهای وحشیانه از جانب مزدوران جمهوری اسلامی کم نگشته ، بلکه روز به روز به تعداد آنها افزوده گردیده و همگی بر این امر واقفند که جمهوری اسلامی از همان ابتدای به قدرت رسیدنش منشأ گسترش و اشاعه تمامی اعمال زشت و نفرت انگیز نظام سرمایه داری انهم در آشکارترین شیوه ممکن بوده که مواد مخدر نیز بعنوان یکی از ابزارهای سیه روزی توده های مردم و اسارات آنها از جانب نظام سرمایه داری ایران که جمهوری اسلامی بعنوان روبرنای سیاسی آن بشمار می رود ارزیابی می گردد . جمهوری اسلامی سعی دارد تا وانمود کند که اشاعه مواد مخدر در نبود قوانین سخت تر در مبارزه با این معضل بزرگ اجتماعی است و بهمین دلیل هربار که این مسئله در جامعه صدا میدهد بر این امر مصر است که میبایست برخورد سخت تر و اعدام مصرف کنندگان مواد مخدر با شدت بیشتری به اجرا در آید اما حقیقت چیست ؟ آنچه بسیار روشن و واضح است این است که جمهوری اسلامی با قانون و بی قانون تاکنون هزاران نفر از قربانیان مواد مخدر را اعدام نموده و نمونه این کشتارها ، قصاب خانه های انسان است که از جانب خلخالی جنایتکار اداره می

شد . بهمین دلیل نمیتوان گفت که افزودن تعداد اعدامیهای معتاد به مواد مخدر موجب کاهش این افراد و حل چنین معضل اجتماعی می گردد . آنچه که بایستی به آن فکر کرد این است که روزانه هزاران تن موادمخدر چگونه پخش می گردد و چگونه و از جانب چه نهاد و ارگان قدرتمندی تولید می گردد و پخش می شود . حقیقت این است که دستجات اصلی تولید مواد مخدر و قاچاق آن نه تنها در داخل کشور بلکه ارسال آن به دورترین نقاط جهان همان دست اندرکاران جمهوری اسلامی میباشد . کشف مواد مخدر در داخل ساک و چمدان مسئولین و دیپلمات تروریستهای جمهوری اسلامی در کشورهای خارج مسئله ای غیر قابل انکار است و همگی آنرا میدانند . اما مسئله تنها به ایت ختم نمی شود . امروزه مشاهده میکنیم که تولید و توزیع مواد مخدر یکی از منابع مهم در آمد جمهوری اسلامی است . بهمین دلیل علیرغم تمامی ادعاهای کشفیات مواد مخدر از جانب نیروهای جمهوری اسلامی همچنان منشأ تولید این مواد ناشناخته باقی مانده و تنها نام کسانی که مسئول توزیع آن هستند افشائی شده است . اما تولید این مواد همچنان ادامه دارد . قاچاق مواد مخدر نیز همانند قاچاق تمامی چیزهای دیگر تنها در اختیار جمهوری اسلامی است و کشف این مواد تنها زمانی انجام میگردد که اختلاف و تضاد مابین دستجات مافیایی حاکم به اوج رسد و هر دسته ای خواهد کوشید تا حوزه فعالیت خویش را گسترش دهد. قوانین جمهوری اسلامی نیز بدون

انکه کاری به منشأ و سرچشمه اشاعه مواد مخدر داشته باشد بمنظور انحراف افکار عمومی ، ماشین کشتار خود را به کار میاندازد و صدها تن از قربانیان حرص و ولع نظام فاسدی که خود بر مردم حاکم گردانیده و دلیل اصلی تمامی سیه روزیهاست ، اعدام میکند . و در این میان هم ادعای مبارزه با مواد مخدر میکند و هم توزیع کنندگان اصلی مواد مخدر که کسانی بجز سردمداران رژیم نیستند با خیالی اسوده و بدون هیچگونه هراسی به تولید و توزیع مواد مخدر ادامه میدهند . جمهوری اسلامی نه تنها نمیخواهد بر علیه مواد مخدر مبارزه کند بلکه گسترش و اشاعه مواد مخدر را بعنوان یکی از ابزارهای حاکمیت ننگین سرمایه در سیه روزی توده های مردم و اسارت آنان لازم میداند . افزون ثروت و مال اندوزی سرمایه داران در گرو گسترش مواد مخدر ، تن فروشی ، و هزاران مصیبت و سیه روزی است که نظام سرمایه داری برای توده ها به ارمغان آورده است . تنها با مرگ و سقوط نظام سرمایه داری و محو استثمار و منفعت طلبی بی حد و حصر سرمایه داران و حامیان آنها است که نسل انسان از قید و بند هزاران مصیبت اجتماعی که زندگی او را تهدید می کند ، آزاد خواهد ساخت . آنزمان است که انسان استثمار نخواهد گشت و خود صاحب دسترنج خویش خواهد شد و غارت و دزدی معنی خود را در جامعه از دست خواهد داد.

حرکت تیر ۱۳۷۸ که به غلط ((جنبش دانشجویان)) نام گرفت ، بی شک حرکتی توده ای بود که در شرایطی ویژه که دانشجویان بوجود آوردند ، استفاده نمود . این حرکت انعکاس نفرت و بیزاری توده های تحت ستم و استثمار شده ای بود که قیام ۵۷ آنان بمنظور

۱۸ تیر ۱۳۷۸ انفجار خشم و کین



بورژوازی و خرده بورژوازی به ظاهر برای مخالفینشان خط و نشان بکشند . ویژگی این حرکت به نسبت حرکات قبلی در این بود که هیچکدام از دو جناح عقب نشینی را زده و در درون حاکمیت همصدا گردند . مجبور کردن مردم به اطاعات از قانون ، اطمینان دادن به بنیادهای حکومتی و دولتی جمهوری اصلاح طلب ، بخش بزرگی از دانشجویان

خواستار خروج از دانشگاه بودند و روزنامه های وابسته به جناحها نیز نتوانستند از خروج دانشجویان مستقل در دانشگاه ممانعت بعمل آورند . دانشجویان مستقل در عمل و با خروج از دانشگاه رهبری حرکت را بدست گیرند . روزنامه های ((کیهان)) و ((اطلاعات)) و دیگر خبرنامه های تحت نفوذ جناح چماقدار ، دانشجویان مستقل را ((مزدور بیگانه)) خطاب

میکردند . روزنامه های ((نشاط)) و همشهری)) و مجلات وابسته به جناح اصلاح طلب آنها را سنگ پران و لاستیک آتش زن معرفی میکردند . مزدوران و انصار حزب الله هستند که میکوشند تا دانشجویان را منحرف سازند و حرکت آنها را از مسیر عادی خویش خارج نمایند . اما هیچ کدام از این دسیسه ها معجزه گر نشد . دانشجویان و جوانان بپا خاسته شعار میدادند ، ((یا مرگ یا آزادی)) و به این طریق و با ابزار نارضایتی خویش مسخره بازار تمدن اسلامی را مسخره گرفتند . مشارکت توده های مردم در تظاهرات اعتراضی خیابانی اطراف کوی دانشگاه و همچنین گسترش اعتراضات به دیگر شهرها ، نشاندهنده نیرو و توان توده ای و ناتوانی حاکمان در مقابله با سیل خروشان توده ها بود . خواهش و التماسهای خامنه ای و وعده و وعیدهای آنها بمنظور

تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی از جانب مرتجعین اسلامی سرکوب شده بود . این حرکت انعکاس ۲۱ سال محرومیت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی از تمامی آن چیزهایی بود که به حقوق بشر معروف است . انعکاس نارضایتی توده ای بود که ۲۱ سال زیر پای سنگین ارتجاع سیاه مذهبی و سرمایه داری غارتگر و جنگ طلب سرکوب شده بود . یکی از ویژگیهای ((حرکت تیر ماه)) به نسبت حرکت های دیگر در طول مدت حاکمیت جمهوری اسلامی و بخصوص دوران بعد از جنگ ، همان توده ای بودن آن بود که هم معرف گستردگی این حرکت به نسبت حرکت های پیش از خود و هم معرف ویژگی مستقل و طبقاتی آن بود . این دو ویژگی که در رادیکال بودن سریع شعارها و مطالبات ئ شیوه قهرآمیز خود را به نمایش گذاشت موجب گردیدند تا بار دیگر آن بخش از

اسلامی سیاستی است که ((جبهه دو میکوشند با استفاده از آن میگردانند)) را از خطر سرنگونی و انهدام برهانند . عمل جناح دیگر حاکمیت در رابطه با نمایش مضحک قدرت و توان در دفتر تحکیم وحدت نیز عملی تازه و تعصب برانگیز نبود . این بار اول نبود که چاقوکشان این جناح عربده کش با شعار ((میکشیم ، میگیریم ، میبیریم)) به میدان میاید و بدون آنکه میان دوست و دشمن فرق گذارد مشغول دست و پا شکستن و خفه کرده بود و علیرغم ظاهر مذهبی خشکه مذهبی که به خود میگیرند حتی از سوزاندن قران و انداختن عمامه برای بوجود آوردن فضای ترس و خفقان ابایی ندارند . اینبار نیز چمتقداران حاکمیت با هجوم به خوابگاه دانشجویان و آتش زدن وسایل دانشجویان و کشتن چندین نفر از دانشجویان میخواستند به خیال خویش

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، واژگونی جمهوری اسلامی را بمثابه برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سرسخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط یک جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند .

دستگیر کردن کسانی که به کوی دانشگاه حمله کرده بودند و اخراج فرمانده هان نیروهای انتظامی زمانی که بی نتیجه ماند جای خود را به تهدید و دستگیری گسترده داد که نشان دهنده اوج ترس و وحشت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در برابر اعتراضات گسترده توده ای بود . بی شک جنبش توده ای تیر ماه ۷۸ مبارزه توده ای را وارد مرحله نوینی ساخت اینکه میگوئیم مرحله ای تازه ، طبیعی است نخست از نظر تاریخی آن و سپس از نظر سیاسی آن است .

به این معنی که دوره تردید و دو دلی نسبت به جناح اصلاح طلب رژیم به پایان رسید . قیام شش روزه تیرماه اگر چه سریعاً سرکوب گردید ، اما در طول مدت زمان کوتاه خود به خوبی سیمای خاتمی و دست اندرکاران و مزدوران وابسته به جناح آنرا به نمایش گذاشت . با رشد و گسترش تضادهای اجتماعی ، خاتمی نقش مرکزیت خویش را از دست داد و مجبور گردید تا از میان نیروهای تغییر طلب و خواهان بقای رژیم یکی را برگزیند . او نیز آنرا برگزید که انتظارش میرفت . همصدا با همکاران خویش که فریاد برآوردند ((بگیرید ، ببندید ، بکشید)) از ((سعر و تلاش پر ارزش وزارت اطلاعات که در این زمینه نیز دوشادوش نیروهای نظامی و انتظامی برای استقرار نظم و امنیت !! تلاش کرده بودند)) قدردانی نمود . این حرکت خود بخودی توده ای ، همه آنهایی که میخواستند در چهارچوب اصلاحات این رژیم حرکت نمایند و تاکنون از نبود گستردگی توده

های مردم در میدان سیاست استفاده نموده اند ، خود را بعنوان نیروی سیاسی معرفی مینمود ، از خواب بیدار کند و اثبات نمود که زمانی نفرت و بیزاری توده ها به حد انفجار رسد ، تنها آن نیروهایی که رسم قیام راستی تغییرات انقلابی را قبول دارند و برای این حرکت برخوردار از قانون اجتماعی برنامه مشخصی ارائه میدهند ، میتوانند مبارزه توده ای را به پیش برند . قیام تیر ماه همچنین اهمیت ارتباط میان جنبش داخلی و خارج از کشور را نشان داد . اگر چه رژیم آن نیروهایی را که به دلیل سرکوب گسترده سیاسی امکان فعالیت گسترده و علنی در داخل کشور را ندارند ، به نام ((گروهک)) کوچک قلمداد میکند و آنها را مسخره میکند ، اما این قیام نشان داد که شهرهای این گروهکها !! بمنظور سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی و مبارزه انقلابی برای آزادی تا چه اندازه ریشه در داخل جامعه دوانیده است و چگونه عقاید و برنامه این گروهکها !! میتواند ستونهای حکومت جمهوری اسلامی را از جا کند .

اما مهمترین دستاورد این جنبش در سطح بین المللی و در آشکار کردن نقش خاتمی بود . اقدامات بعدی رژیم در سرکوب هرگونه اعتراضی ، بخوبی نشان داد که پایدارترین جبهه برای کسب آزادیهای سیاسی در ایران جبهه ای است که در تضاد کامل با نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده باشد و همه جناحهای رژیم را آماج قرار دهد . پیام این جنبش به نیروها و سازمانهای کمونیستی و انقلابی

بسیار واضح بود . انقلاب اجتماعی ایران هزاران سرباز جان فدا را دارا است که به تجربه شما در زمینه سازماندهی ، تعیین خطوط حرکت و تشکیل شبکه های ارتباط گیری با دیگر گروههای اجتماعی نیاز دارند . سازماندهی همه جانبه نیروها بمنظور پاسخگویی به این ضرورت وظیفه اصلی تمامی نیروهای انقلابی است . سرکوب قیام شش روزه تیر ماه هیچگاه به معنی مرگ این جنبش نبوده و نیست و گسترش این جنبش در چند سال اخیر و پس از قیام تیر ماه ۷۸ در تظاهرات توده ای همچون تظاهرات زنان ، جوانان و کارگران و زحمتکشان ، دانشجویان و دانش آموزان و همچنین ده ها و صدها نمونه اعتصاب و راهپیمایی ، راستی و صحت این بینش را به اثبات میرساند که هر حرکت اجتماعی فراز و نشیب به خود خواهد دید و طبیعی است که حرکت خود بخودی که سازماندهی نشده باشد سریعاً دچار ضعف و ناتوانی خواهد گشت .

حرکت تیرماه علیرغم عمر کوتاه خویش توانست جو سیاسی را در درون جامعه باز کرده و هزاران جوان را به میدان سیاسی جامعه بکشاند که این جوانان در ابتدای ورود خویش با سنگ و چوب به جنگ نیروهای سرکوبگر و چاقوکشان رژیم رفتند . آنها توانستند با درک و آگاهی انقلابی پرده های شک و تردید نسبت به حاکمیت تحمیلی را کنار زده و پوشالی بودن دستگاه رژیم را به نمایش گذارند .



هجوم گله های مزدور سپاه پاسداران و انصار الاسلام به پایگاه های حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) محکوم به

شکست است !

بعد از مدت زمان مدیدی از توپباران و بمباران کردن مناطق تحت نفوذ گریلاهای حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) واقع در کوهستان های قندیل بالاخره گله های مزدور سپاه پاسداران با همکاری مرتجعین اسلامی انصار الاسلام عملیات زمینی علیه گریلاهای پژاک را آغاز نموده و درگیریهای سختی در کوهستان قندیل آغاز گردید که در روز نخست دهها تن از مهاجمین مرتجع توسط گریلاهای پژاک به هلاکت رسیدند . جمهوری اسلامی بمنظور انحراف افکار عمومی داخلی و بین المللی از بحرانهای گریبانگیر داخلی خویش در پی ماجراجویی و بحران زایی در خارج از مرزهای خویش است و اینبار پس از مدتها توپباران کردن مناطق مسکونی و آبادیهای منطقه قندیل بمنظور تظاهر سرکوب چریکهای مسلح پژاک نیروهای مزدور خویش اعم از سپاه و انصار الاسلام را روانه خاک کردستان عراق نموده است . این در حالی است که مقامات نظامی و انتظامی حکومت منطقه ای کردستان عراق ورود افراد سپاه پاسداران و انصار الاسلام را به خاک کردستان عراق تکذیب کرده و عملاً هیچ موضعگیری در قبال توپبارانهای جمهوری اسلامی تاکنون از خویش نشان نداده اند .

هجوم افراد سپاه و بحران زایی در خارج از مرزهای ایران نه راه حل فرار از بحرانهای داخلی و نه راه حل مسئله ملیتهای تحت ستم ایران است .

رژیم ترکیه نیز قبلاً بارها این شیوه را آزموده و چه از نظر نظامی و چه از نظر سیاسی دست خال مجبور به عقب نشینی گردید . جمهوری اسلامی نیز قطعاً با آزمون شیوه های شکست خورده نه تنها قادر به قدرت نمایی نخواهد بود بلکه با تحمل شکست نظامی بر بحرانهای داخلی خویش نیز خواهد افزود .

ما ضمن محکوم نمودن هجوم مزدوران جمهوری اسلامی به پایگاههای پژاک و خاک کردستان عراق چریکهای پژاک را به مقاومت در برابر مهاجمین مرتجع فر خوانده و افکار عمومی داخلی و خارجی را به حمایت از مقاومت بر حق خلق ستمدیده کرد فرا میخوانیم.

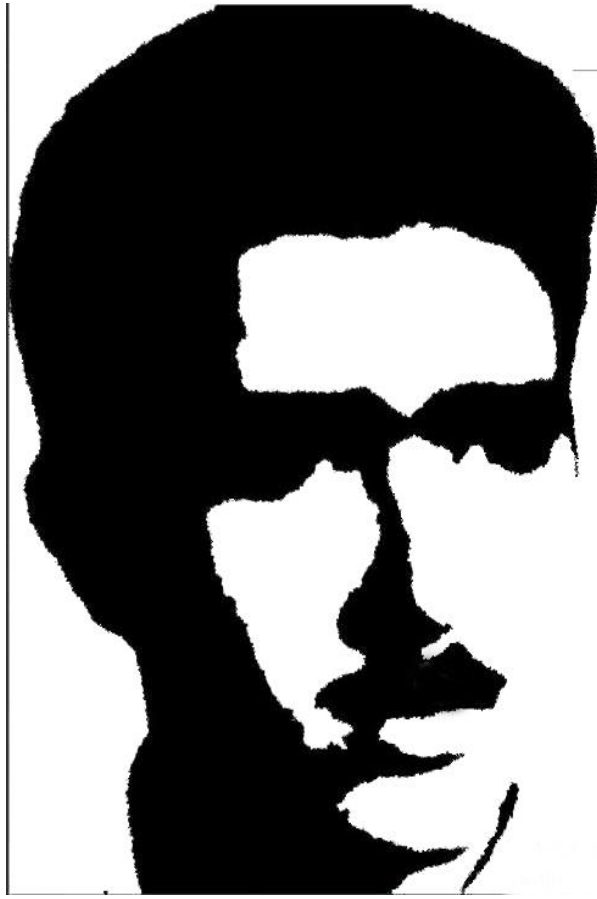
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی ایران !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کمیته ایالتی کردستان

۱۹/۷/۲۰۱۱

کمونیست همیشه زنده است!



روز هشتم تیر ماه ۱۳۹۰، ۳۵ سال از با هوشیاری بی نظیر خویش و با شهادت چهره شاخص جنبش نوین نبرد قهرمانانه خویش در هم کمونیستی ایران، فرزند انقلاب و پر از شکست. احساس کارگران و زحمتکشان، مبارزه نبرد قهرمانانه وی در میان مردم راه آزادی و سوسیالیسم، رفیق کبیر حمید بیشتر به معجزه شبیه بود. اما اشرف یکی از بنیانگذاران و رهبران حمید نه تنها در کار نظامی و کبیر سازمان و ۹ رفیق فدایی دیگر: جنگ چریکی بلکه در محمد رضا پثری، غلامرضا لایق سازماندهی و رهبری سیاسی مهربانی، غلامعلی خراط پور، عسگر تشکیلات از توانایی بسیاری حسینی ابرده، علی اکبر وزیری، محمد حسین حق نواز، طاهره خرم، یوسف از ضربه های سنگین پلیسی قانع خشکه بیجاری و فاطمه حسینی سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۰ از میگذرد. رفقای بود که با اراده پولادین

اینکه بتواند از اهداف و آرمانهای طبقه کارگر دفاع نماید. در آنزمان بود که آندسته از اپورتونیستهایی که بدنبال اثبات حقانیت سالهای بی عملی و تسلیم طلبی خویش بودند، هر زمان که تهاجمات دیوانه وار رژیم متوجه سازمان بود با تبلیغات ارتجاعی رژیم همصدا میشدند و حماسه نبردهای قهرمانانه رفقای ما را به تمسخر میگرفتند و گاهی اوقات نیز علنا و بیشرمانه همصدا با رژیم ادعای مزدوران رژیم مبنی بر مرگ و نابودی سازمان را جار میزدند. اما هر بار تجربه بطور غیر قابل انکار ادعاهای مزدوران سرمایه و اپورتونیستهای بی عمل را بی ارزش مینمود و بیش از پیش ثابت مینمود که تاریخ مبارزه طبقاتی با خون و مقاومت حماسی نوشته خواهد شد. مبارزه یا جنگ بی امان طبقات بر علیه یکدیگر ادامه خواهد یافت، اهداف پرولتاریا نه در راههای مسالمت آمیز مبارزه طبقاتی، بلکه در راههای سخت و دشوار و از میان آتش نبردهای سنگین تحقق خواهد یافت. رژیمهای ارتجاعی هر بار که سازمان را مورد هجوم قرار داده و ضرباتی وارد ساخته اند، در دستگاههای تبلیغاتی خویش ادعا نموده اند که سازمان را نابود ساخته اند. اما کیست که نداند این سازمان شکست را نخواهد پذیرفت و با خون و حماسه هر با با

خویش تشکیلات را بازسازی کرد و با کار و فعالیت شبانه روزی خویش ادامه کاری فعالیت سازمان را تضمین نمود. رفیق کبیر حمید اشرف برای اصل سازماندهی، انتقاد و انتقاد از خود به شیوه مارکسیستی - لنینیستی و نظم و انضباط تشکیلاتی اهمیت زیادی قائل بود. در حالیکه در مقابل رفقای تشکیلات خود بزرگ بین نبود و از اشتباهات و نواقص انتقاد میکرد در همان حال در برابر انحرافات سرسختانه موضع گیری میکرد. او با بررسی بی وقفه نقاط ضعف و قوت سازمان و در نظر گرفتن تجارب و استفاده از آنها در مبارزه، سازماندهی و رهبری تشکیلات به شیوه بی مبتکرانه اصول تئوری و پراتیک را باهم تلفیق میکرد. حمید با در نظر گرفتن این تجارب بود که بارها سازمان را از ضربات پلیس حفظ نمود و با سازماندهی جدید آرزوهای رژیم را ناکام میگذاشت و تبلیغات سردمداران رژیم درباره اتمام کار سازمان و نابودی آنرا بی اثر میکرد.

وظیفه حمید اشرف بیش از هر چیز در حفاظت و ادامه کاری فعالیت سازمان بود که علیرغم ضربات سنگین پلیس و دستگیری و شهادت رهبران آن، میبایست بعنوان تنها سازمان سیاسی پرولتاریا به فعالیت خویش ادامه میداد تا

جنگاوران کمونیستی که حماسه مقاومت قهرمانانه آنان در برابر مزدوران سرمایه در همه جای کشورمان صدا داد و امروز پس از گذشت ۳۵ سال هنوز هم نام حمید اشرف بعنوان جنگاوری پر احساس، انقلابی سرسخت و کمونیستی سازمانده بر درفش مبارزه خونین طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران میدرخشد. توده های زحمتکش ایران نام حمید اشرف را در مقاومت بی نظیر و درگیریهای قهرمانانه وی بر علیه جلادان رژیم پهلوی و مزدوران سرمایه، میشناسند. حمید اشرف با احساس کینه و نفرت عمیق از دشمن و عشق بی پایانش به آزادی کارگران و زحمتکشان در مقابله با موانع و مشکلات لا علاج فعالیت و مبارزه مخفی و در مقابله با سیل تهاجمات رژیم سمبل خواست و اراده و قاطعیتی بود که هیچ مانعی را توانای ایستادن در مقابل آن نبود. حمید در طول سالهای مبارزه در سنگر سازمان، با آشنایی تمام از اصول و شیوه های مبارزه مخفی با آتش سلاح خویش چنان ترس و وحشتی در دل مزدوران و جلادان رژیم پهلوی افکنده بود که آنان در پس دیوارهای بشدت محافظت شده خویش نیز احساس امنیت و آسایش نمیکردند. حمید اشرف بیش از ۱۴ بار حلقه محاصره و کمین پلیس و ساواک رژیم را

سرود برای رفیق حمید

چو شهاب روشنائی،
سرکش سرخ رهایی
با تو پوینده و پویا،
رزم خونین فدائی
رودی از خشم سیه کل،
جاری جنگل دوری
تو حماسه نبرد تن شب با تن نوری
با شفق های شکفتن،
نبض مشتاق بهاری
تن به خون شکسته ای تا
صبح توده ها بر آری،
تو که میلاد شقایق به تن خشک کویری
تو طلوعی از رهیدن بهر دستهای اسیری
* * *

تا شب از خون رفیقان ،
باغ بار آور طوفان
در عمیق شب دشمن،
تو نهادی سر پیمان
با شکوفه های طوفان ز ستاره ها دمیدی
ای همه یاد رفیقان،
نام پایای "حمید" ی
تو که میلاد شقایق به تن خشک کویری
تو طلوعی از رهیدن بهر دستهای اسیری
چو شهاب روشنائی،
سرکش سرخ رهایی
با تو پوینده و پویا رزم خونین فدائی

تجربه تر محکمتر از قبل سر بر خواهد آورد و مبارزه خونین انقلابی را به پیش برده است . بعد از تابستان ۵۵ که رفیق کبیر حمید اشرف و ۹ تن دیگر از رفقای فدایی پس از چندین ساعت درگیری به شهادت رسیدند دستگاههای تبلیغاتی رژیم و اپورتونیستها محبوس در خانه های امن و آرام خویش و محافل روشنفکری خارج کشوری صفحات بسیاری را سیاه ساختند تا اینکه حقانیت حرافهایی شکست خورده خویش را به اثبات برسانند . اما طولی نکشید که بار دیگر فدائیان خلق یعنی پاس دارندگان خون حمید اشرفها ، خواب را از چشمان مزدوران و جلادان ربودند و تمامی تلاش و کوشش اپورتونیستهای میهنی و طرفداران مبارزه مسالمت جویانه را بی اثر نمودند .

سازمان آتش و خون زنده بود و رد طول اعتلای جنبش توده ای ، پشتیبانی پر احساس و بی نظیر میلیونها نفر از توده های کارگر ، دهقانان ، روشنفکران انقلابی و دیگر زحمتکشان از سازمان ما و تبدیل آن به بزرگترین سازمان مارکسیست - لنینیست خاورمیانه و طرفداری میلیونها کارگر و زحمتکش از آن نشاندهنده این حقیقت بود که علیرغم ضربات پی در پی و از دست دادن بهترین و شایسته ترین رهبران جنبش ، اما آرمانهای آن همچنان پا برجاست . مبارزه آنان از جانب هزاران تن دیگر از توده های ستمکش که شیفته قهرمانی و مقاومت و جانفشانی آنانند ادامه خواهد یافت . پیشگامان طبقه کارگر سرچشمه عشق و محبت کمونیسم در دل توده های زحمتکش و تحت ستم هستند .

امروز در حالی یاد رفیق کبیر حمید اشرف و ۹ رفیق فدایی هم سنگر وی را گرامی میداریم که جنبش فدایی و سازمان ما صدها فراز و نشیب را از سر گذارنده و با تجربه اندوزی از شکستها و پیروزیها و با بکارگیری تجارب گذشته ، از اصول درخشان رهبران شهید خویش می آموزد ، پرچم سرخی که با خون هزاران حمید اشرف رنگین گشته بعنوان پرچم خونین طبقه کارگر ایران برفراز جنبش انقلابی افراشته گشته ، پرچم خونین مبارزه قهر آمیز و بیان بر افکن ستمکشان و استثمار شوندهگان .

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

جنبش ارتجاعی سبز و مسئله زنان !



را اجرا می نمودند . کاش دختران و زنان طرفدار جنبش سبز برای یک لحظه هم که شده به وضع دختران و زنانی فکر کنند که دست و پا بسته در زندانهای جمهوری اسلامی مورد تجاوز قرار می گرفتند. مگر نه اینکه بیش از ۳۰ سال جنایت و کشتار به دستور و راهنمایی سرداران امروز و دیروز جمهوری اسلامی انجام گرفته . چرا امروزه طرفداران چشم و گوش بسته جنبش ارتجاعی سبز نخواهند این واقعیت را قبول کنند؟ سرداران جنبش سبز همگی مجیزه گویان جلاد جماران خمینی جنایتکار بوده و هستند و سگ وفادار نظام سرتا پا فاسد جمهوری اسلامی بشمار می روند حال چه با خامنه ای و یا بی خامنه ای .

تئورسین جنبش سبز یعنی خاتمی جنایتکار در مورد لاجوردی پست فطرت میگوید که او سرباز سخت کوش انقلاب و خدمت گزار مردم بود . عجا لاجوردی جنایتکار که افتخار وی قتل عام زندانیان سیاسی و تجاوز به دختران و زنان زندانی است اینگونه از جانب مغز متفکر جنبش سبز و رهبر اصلی آن مورد تمجید قرار میگیرد .

کسانی که در انتخابات رای داده و میدهند چه به موسوی و موسوی ها و چه به احمد نژاد و احمدی نژادها در هر دو حال به نظام حاکم تحمیلی و حاکمیت جهل و جنایت جمهوری اسلامی رای داده و خواهد داد .

زخم سیاه
 که ایستاده به درگاه ... ؟
 آن شال سبز را ز شانه ی خود بردار
 بر گونه های تو ایا شیارها
 زخم سیاه زمستان است ... ؟
 در رزیش مداوم این برف
 هرگز ندیدمت
 زخم سیاه گونه ی تو
 از چیست ؟
 آن شال سبز را ز شانه خود بردار
 در چشم من
 همیشه زمستان است

مبارز در زندانها پاسداری متعفن و جنایتکار به درب منزل دختر اعدامی میرفت و علاوه بر بازگرداندن ساک و وسایل دختر مبارز اعدامی به خانواده اش شیرینی و مقداری پول خرد بعنوان شیرینی و پول مهریه دختر اعدامی میداد .

این واقعیتی است که میبایست زنان و دختران هوادار جنبش سبز میرحسین موسوی و کربوبی جنایتکار بعنوان عوامل این گونه جنایتها بدانند و درک کنند که تجاوز کنندگان به دختران در زندانها ، اصلاح طلبان سبز امروزند . آیا اینچنین افراد جلادی میتوانند آزادی و برابری را برای نسل انسان بطور عام و زنان و دختران تحت ستم بطور خاص در کشور ما به ارمغان آورند ؟ سرداران امروز جنبش سبز بازجوها ، شکنجه گران ، زندانبانها و عربده کشهای دهه شصت هستند که در زندانهای قرون وسطایی جمهوری اسلامی احکام الهی - اسلامی

در تمامی سالهای پس از قیام بهمن ۵۷ و بخصوص از دهه شصت به بعد در زندانهای جمهوری اسلامی زنان و دختران بیشماری وجود داشتند که به جرم جنگ و دشمنی با نظام مقدس ! جمهوری اسلامی محکوم شده بودند . این زنان و دختران به همراه دهها هزار زندانی سیاسی دیگر که مخالف جمهوری اسلامی بودند در آنزمان وحشتناک میبایست به جوخه اعدام سپرده می شدند . اما از نظر آخوندهای حاکم بر ایران مشکل اساسی در سر راه اعدام آنان بنا به احادیث پیامبر اسلام و امامان شیعه آن بود که دختران باکره اگر کشته شوند حتی اگر گناه بزرگی مرتکب شده باشند به بهشت خواهند رفت و حکام شرع و پاسداران و دست اندرکاران حاکمیت برای اینکه اینان به بهشت متعلق به خودشان نروند قبل از کشتن ، آنها را مورد تجاوز قرار میدادند . از نظر آنها دشمنان جمهوری اسلامی و نظام مقدس آنها میبایست سخت ترین عذابه های این دنیا و آخرت را بجان بخرند . به همین منظور دختران مبارز باکره مورد تجاوز مزدوران رژیم قرار میگرفتند و سپس به جوخه های اعدام سپرده می شدند تا اینکه به فکر کثیف و گندیده آنان که از احکام ارتجاعی و فرسوده قرون وسطایی اسلامی پیروی می کردند ، قربانیان دختر آنها عذاب این دنیا و آخرت را از جانب آنان و خدای آنان متحمل شوند . ردالت و پستی تا جایی رسیده بود که بعد از اعدام دختران



بیرلشمیش کمونیست فدایی لرین آذربایجان کمیته سی

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

کمیته

ایالتی آذربایجان

Birleşmiş Komonist Fedailarin Azarbaycan Komitasi

محمد جراحی نین و تمام محبوسلارین آزاد اولماسینا چالیشماق لازیمدیر

آذربایجاندا ایشیزلیک و یوخسزلیق چوخالدیقجا رژیم توتوب باسیب و حبس نتمه سیاستین داخیدا گنیشلندیریر. فعال مدنی و فرهنگی انسانلاری که نوز آنا دیلینده یازیب اوخوماق ئیستیلر، اوخوجولار، قادیلار، یازیچیلار، ئیشچیلر و ئیشیزلر، جوانلار و قوجالار، یعنی هرکس کی نوز اینسانی حقیقده ن دفاع ندیر و یا بو حقیسزلیگه اعتراض ند مه گه باشلییر، فوراً ئونو توتوب و ایشکنجه آلتینا آپاریلار. اساس سیز دادگاه لاردا نوزون حبسلره محکوم ندیلر. گچن گونلرده رضا شهابی نی توتاندان سونرا نیچه ایشچی فعاللارین دا توتوب و زیندانا سالیب لار. محمد جراحی کمیته پیگیرینن فعال عضولرینن بیرری ده توتولانلاردان بیرسی دیر.

محمد جراحی ایشچی حوققلاریندان مدافعه نلین لرین تانیلمیش چهره لریندن بیرسی دی. محمد جراحی «کمیته پیگیری ایجاد شکل های کارگری» «نین فعال عضولرینده ن بیرسی اولارکن ئیلر بویودی کی آزادلیخ و برابریک یولوندا و مخصوصا ئیشچیلرین آزاد و مستقل تشکیلات صاحبی اولماقا ئوچون چالیشیو بو یولدا چوخلی محرومیتلری تحمل ندیب. آیدین دی کی ایسلام جمهوریتینن حیاتی بویوک خطرلرله مواجه اولارکن بوتشباته ال ویریر تا مختلف صنفلرین فعاللارینی توماقینان گله جکده باشلیان ایجتماعی حرکتلری محاراله مسین ممکن نلیه سین. لاکن ایجتماعی حرکتلر نوز فعاللارین یاراتمقدادیر. چالیشماق و روشماق نتیجه سینده اینسانلار داخیدا آیینیر و نوز حقلرینه صاحب اولماق ئوچون ایقا قالخیر و ئونلارین فعاللارین توماقیلا بو حرکتلرین قاباقین آماق اولماز.

کمونیست فدائیلرین آذربایجان کمیته سی رژیمین بواقدماتین شدیداً محکوم ندیر و آذربایجان خلقینی و مخصوصا ایشچیلر و نورچی لر و آیری زحمتکش اینسانلاری تویلانماقا و مختلف عرصه لرده مبارزه نین گنیشلندیرمه گه دعوت ندیر. بوگون تمام نشچیلرین و آیری سوسیالیستی و دموکراتیک تشکلرین و یغینجالارین ان بویوک وظیفه لریندن دیرکی بو توتولان ایشچیلرین و تمام سیاسی محبوسلارین آزاد اولمالارینا گوره چالیشینلار.

یاشاسین ایچیلرین بیلگی

یاشاسین سوسیالیسم

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان ایالتی کمیته سی

تیر آنتین ۱۷ سی ۱۳۹۰



آخرین اطلاعیه ها و نشریات

سازمان

را از این

آدرسها دریافت کنید

WWW.kare-online.com

www.fedayi.org

webmaster@fedayi.org

روابط عمومی

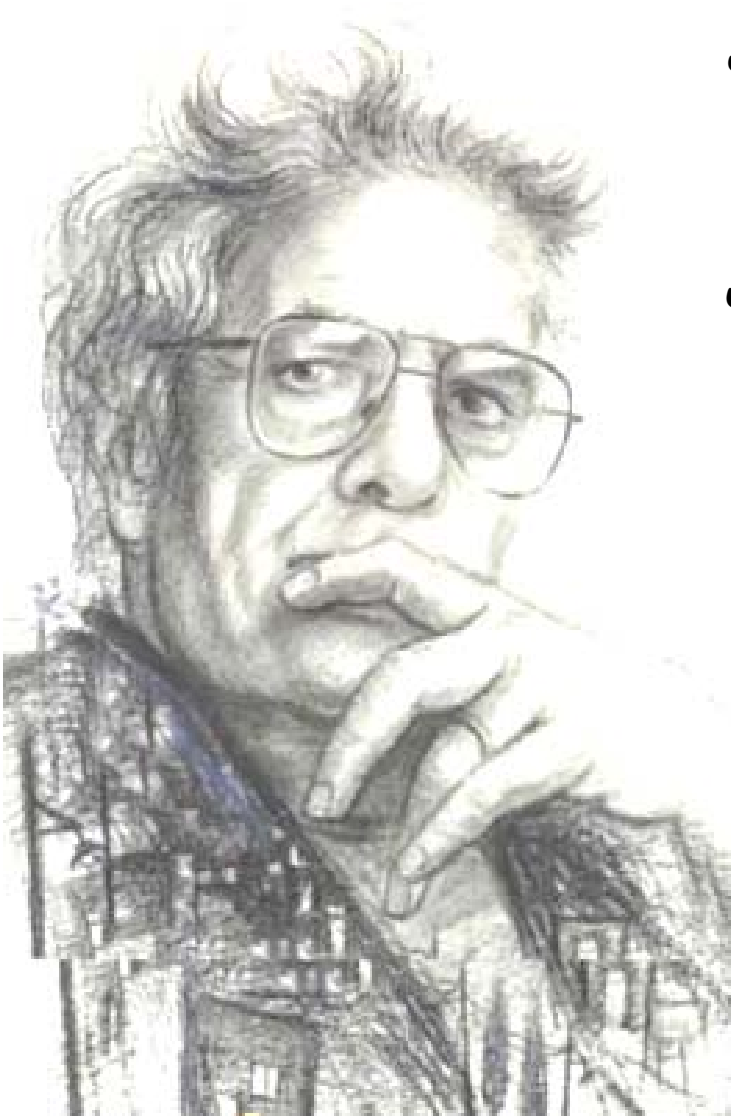
FAX:+46317792571

Kurdistan@fedayi.org

کمیته کردستان

azer@fedayi.org

کمیته آذربایجان



۲ مرداد ماه ۱۲ سال از مرگ
شاعر بزرگ و گرامی احمد
شاملو میگذرد . شاعری که
در فکر والای وی شعر معنای
ویژه ای داشت . یعنی اینکه
شعر را عبارت از آزادی و
رهایی میدانست . تردیدی
که سرانجام به باور خواهد
رسید . شاملو همیشه تلاش
مینمود تا درد و رنج جامعه
بشری را به بهترین صورت
ممکن با سرودن اشعارش
بیان نماید.
یادش گرامی باد

شعر
رهاییست
نجات است و آزادی.
تردیدیست
که سرانجام
به یقین می‌گراید
و گلوله‌یی
که به انجام کار
شلیکی
می‌شود.
آهی به رضای خاطر است
از سر آسوده‌گی.
و قاطعیت چارپایه است
به هنگامی که سرانجام
از زیر پا
به کنار افتد
تا بار جسم
زیر فشار تمامی حجم خویش
درهم شکند،
اگر آزادی جان را
این
راه آخرین است.

مرا پرندهی بدین دیار هدایت
نکرده بود:
من خود از این تیره خاک
رُسته بودم
چون پونه‌ی خودرویی
که بی‌دخالیت جالیزبان
از رطوبت جوباره‌یی.
این چنین است که کسان
مرا از آن‌گونه می‌نگرند
که نان از دست‌رنج ایشان می‌خورم
و آنچه به گند نفس خویش آلوده می‌کنم
هوای کلبه‌ی ایشان است;
حال آن‌که
چون ایشان بدین دیار فراز آمدند
آن
که چهره و دروازه بر ایشان گشود
من بودم!

آخرین اطلاعیه ها و خنریات سازمان

را از این

آدرسها دریافت کنید

WWW.kare-online.com

www.fedayi.org

ادرس و شماره تماس با سازمان و کمیته

webmaster@fedayi.org

Kurdistan@fedayi.org

FAX:+46317792571

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!